

انگ مکان و مهار تادیبی: تاملی بر رمان ذات خون اثر کریل فیلیپس

چکیده

پژوهش در حوزه‌ی رمان معاصر از منظر رویکردهای متفاوت نظری بخش عمده‌ای از مطالعات ادبی و به ویژه ادبیات روایی را دربرمی‌گیرد که خود بستر مناسبی را به منظور مطالعه و تحلیل گفتمان‌های بینارشته‌ای فراهم می‌کند. رمان ذات خون اثر کریل فیلیپس هزارتویی از روایات را شامل می‌شود که هولوکاست در کانون این هزارتو قرار دارد. فیلیپس، با روایت خاطرات هولناک یک بازمانده از اردوگاه‌های آدم سوزی، خاطرات تلخ نژادپرستی را می‌کاود و آن را تا زمان‌های کهن، حتی تا زمان اتللو در ونیز به عقب می‌برد. مطالعه‌ی پیش رو این میراث را از منظر رویکردی جدید به ادبیات از طریق مفاهیم جامعه‌شناختی فرهنگی و انسان‌شناسی مورد بررسی قرار داده است. از همین روی، مقاله حاضر رمان را با بررسی مفاهیمی چون انگ مکان¹، گتو²، و مهار تادیبی³ مورد مطالعه قرار داده است تا نقش غیر قابل انکار و حقیقی داستان در دیگر علوم اجتماعی را ترسیم کند و مهر تاییدی باشد بر طبیعت بینارشته‌ای ادبیات، به ویژه رمان. این مقاله با تمرکز بر مفهوم گتو به عنوان محلی انگ‌خورده که از سوی دو راوی اصلی رمان روایت می‌شود، نشان می‌دهد گتو یک راهبرد در دسترس و کم هزینه‌ی مهار تادیبی است که در طول تاریخ به کار رفته، در ادبیات مجسم شده و در رمان به عنوان نمونه‌ای از داستان معاصر به آن پرداخته شده است. مطالعه‌ی حاضر تلاش دارد از طریق ادبیات، آینده‌ی مهاجرین با برجسبگذاری‌های قومی، نژادی و مذهبی را به تصویر بکشد و رمان را رسانه‌ای برای تحقق عدالت در این خصوص معرفی کند.

کلمات کلیدی : دیاسپورای یهودی، بینامتنیت، روان زخم، هییت تادیبی⁴، حصر محدود کننده⁵، دورسازی شهری⁶

۱. مقدمه

ذات خون⁷، بلندپروازانه‌ترین اثر داستانی فیلیپس⁸ است که در آن شخصیت‌ها و مکان‌های تک افتاده و مفلوک در هم تنیده شده‌اند و بن

¹ Territorial Stigmatization

² Ghetto

³ Punitive Containment

⁴ Carceral Body

⁵ Exclusionary Closure

⁶ Urban Relegation

مایه های پرتکرار او مثل احساس تعلق داشتن⁹، هویت¹⁰، بی‌خانمانی و تبعید در آن بسیار پررنگ‌اند. این رمان، جسورانه به داستان ترسناک هولوکاست و تاثیر پیچیده آن بر زندگی و هویت بازماندگانش پرداخته است. به علاوه، به تاریخ قرن شانزده اروپا بازگشته تا طبیعت کشمکش بشر با میراث نژادی، قومیتی و مذهبی وی را کشف کند. رمان به طور کلی بر اساس خاطرات پسر از روان‌زخم¹¹ او¹²، بازمانده‌ای از اردوگاه‌های نازی، است که ماجراهای بی‌جاشدگی و سلب مالکیت در آغاز جنگ جهانی دوم را روایت می‌کند. همین شرایط برای دیگر شخصیت‌های داستان روایت می‌شود که برای چنگ زدن به سرشت منحصر به فرد خون و ریشه‌ی خود در حال جدال هستند، مانند داستان اتلوی افریقایی تبار و یهودیان ایتالیایی رنسانس. چیزی که در مطالعه‌ی حاضر تشریح شده است واکاوی موشکافانه‌ی این رمان از نقطه نظر لوک وکان، شامل مفاهیمی چون مکان‌های انگ خورده، گتو و مهار تادیبی است تا انسان‌شناسی فرهنگی-اجتماعی را به داستان، به صورت بینارشته‌ای¹³ پیوند بزند و ارتباط دو جانبه‌ی آنها را در علوم انسانی معاصر، به ویژه در ادبیات تبیین کند.

رمان به تکراری همیشگی و جاافتاده‌ی اروپا در مورد نژاد می‌پردازد. به عنوان یک رمان چندصدایی، ذات خون از دیدگاه کسانی روایت می‌شود که نقطه‌ی تلاقیشان رانده شدن به حاشیه به خاطر مذهب و نژاد است. این داستان در مکان‌هایی روایت می‌شود که محل زندگی شهری مردم عادی نیست، بلکه گتوها و اردوگاه‌هایی مملو از فقر و وحشت‌اند. شخصیت‌ها نیز نه تنها از قرن بیستم، بلکه نمونه‌هایی از ادبیات کلاسیک، مانند اتلوی نیز هستند. این داستان در سرزمین‌هایی روایت می‌شود که ساکنینش برچسب‌هایی از نژاد، مذهب و طبقه‌ی اجتماعی دارند. فیلیپس با انتخاب این مکان‌ها تلاش می‌کند نشان بدهد اروپا همواره دیدی تبعیض آمیز و در عین حال سیستماتیک به افراد غیرخودی و به حاشیه رانده شده داشته است، حتی در زمان اتلوی در ونیز. اتلوی به عنوان یک تازه واردی که به ونیز مدرن آمده است، برای کشف شهر هیجان زده است. او به تدریج در می‌یابد که یهودیان این

⁷ *The Nature of Blood*

⁸ Caryl Phillips

⁹ *Belonging*

¹⁰ *Identity*

¹¹ *Trauma*

¹² *Eva*

¹³ *Interdisciplinary*

شهر فریبنده در جایی کاملاً مرموز و متناقض به نام گتو زندگی می‌کنند. فیلیپس تصویری کامل از مکان زندگی این یهودیان ارایه می‌دهد: «موما اینگونه تصور می‌شد که واژه‌ی گتو در ابتدا برای توصیف بخشی از ونیز استفاده می‌شده است که در قرن شانزدهم به یهودیان دستور داده شده بود جدا از مسیحیان در مکانی کثیف و تاریک، در شمال سنت مارک زندگی کنند. واژه‌ی ایتالیایی گتو به معنی کارخانه‌ی ذوب آهن [...] است. گتوها معمولاً بسیار پرجمعیت هستند و تأثیری بسیار منفی بر اعتماد به نفس ساکنینشان دارند.» (88). این طرز تفکر در مورد مکانی که باقی شخصیت‌های رمان در آن زندگی می‌کنند همواره در آن قابل مشاهده است که نشان می‌دهد انگ مکان برای افراد حاشیه نشین راهی است برای جمع کردن آنها تحت لوای تحقیر. به همین طریق، وکان سعی دارد روند گتوسازی، به عنوان یک ساختار اجتماعی معاصر در آمریکای شمالی را با اتحادیه‌ی اروپا مقایسه کند: «ننگ مکان باعث تشویق ساکنین به رویکردهایی اجتماع‌گریز و اجتناب متقابل و فاصله‌گیری از یکدیگر می‌کند که شکاف اجتماعی را وخیم‌تر و بدگمانی بین مردم را تشدید کرده و حس مشارکت که لازمه‌ی مشارکت در ساخت جوامع کوچک و عمل جمعی است را تحلیل می‌برد.» (وکان 30). وی معتقد است با وجود اینکه ساختار گتوها در دو سوی آتلانتیک به خاطر عوامل نژادی با هم متفاوت‌اند، ننگ مکان باعث تحقیر ساکنین آن می‌شود و باعث می‌شود حتی در ارتباطات شخصی به یکدیگر اعتماد نداشته باشند و از هر گونه عمل جمعی¹⁴ ناتوان باشند، چیزی که در این رمان مشهود است، جایی که شخصیت‌ها بار زندگی خود را در انزوا به دوش می‌کشند.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

رمان و داستان روایی برای منتقدین و محققین در حوزه‌های ادبی و مطالعات انتقادی جذاب هستند و رمان‌های فیلیپس منبعی وسوسه‌انگیز برای تحلیل انتقادی از رویکردهای گوناگون ادبی هستند. آلن لیام مک کلاسی¹⁵ ذات خون را از منظر ساختاری و فنی مورد بررسی قرار داده است. مک کلاسی صنایع روایی به کار رفته در رمان مانند چند صدایی¹⁶، آشنایی زدایی¹⁷ و بینامتنیت¹⁸ را مورد بررسی قرار می‌دهد و

¹⁴ Collective Action

¹⁵ Alan Liam McClusky

¹⁶ Polyphony

¹⁷ Defamiliarization

استدلال می‌کند که تاثیر این صنایع عمدتاً در این اثر نادیده گرفته شده‌اند و از این رو به دنبال دیدگاه انتقادی و جهان شمول است. مک کلاسی مفهوم ناتوانی در هم احساسی¹⁹، به عنوان صنعتی محرک در رمان را مورد بررسی قرار می‌دهد و این ناتوانی را به راویان غیر قابل اعتماد²⁰ رمان نسبت می‌دهد که در حال روایت داستان چندصدایی در بسترهای تاریخی مخصوص به خود هستند. در این بحث وی توجه خاصی به مفهوم بینامتنیت دارد و معتقد است بر اساس تجربیات متفاوت، و در عین حال مشترک شخصیت‌های داستان، سرشت تاریخ به طرز غیر قابل اجتنابی متنیت دارد. تا حدی که «رمان اخیر را باید در به کارگیری آشکار و گزیده‌ی بینامتنیت آن شناخت که هم توجه ما را به طبیعت غیر قابل انکار متنیت تاریخ جلب می‌کند و هم به تاثیر اجتناب ناپذیر بر توانایی ما برای هم احساسی با شخصیت‌های رمان.» (216)، و در نتیجه همدلی با شخصیت‌های داستان را به مساله‌ی پیچیده‌ی تبدیل می‌کند که همواره در حال نقض کردن خویش است تا جایی که دیگر نمی‌توان به راوی و روایتش اطمینان کرد.

او داستان مخوف خود در اردوگاه را با لحنی منفصل، کوتاه و منقطع روایت می‌کند که ناشی از روان‌رخمی است که در این خلال تجربه کرده است و به تدریج از او راوی غیر قابل اعتمادی می‌سازد که روایتش، به نقل از مک کلاسی از همدردی خواننده با او اجتناب می‌کند. وی معتقد است فیلیپس عامدانه و زیباشناسانه همدردی با او را مشکل می‌سازد تا این تجربه را به صورت کلی به ابزاری برای دور نگه داشتن و بیگانه سازی تبدیل کند. او نظراتش را از منتقدین گوناگونی مانند نظریه‌ی همدلی لویناس تا مفهوم بیگانه سازی²¹ برشت²² وام گرفته و معتقد است فیلیپس موفق شده است به تاثیر بیگانه سازی هم در سطح کلامی و هم در سطح عملی دست یابد: «او این کار را با به کارگیری راهبردهای بینامتنیتی انجام می‌دهد که داستان‌هایی کاملاً آشنا را با روشهایی عجیب و بیگانه در تار و پود رمان تلفیق می‌کند.» (222). در آخر، او تاکید می‌کند فیلیپس آگاهانه بینامتنیت و بیگانه سازی را به کار می‌برد تا خواننده را وادار کند از دور

¹⁸ Intertextuality

¹⁹ Empathy

²⁰ Unreliable Narrators

²¹ Estrangement

²² Brecht

به تاریخ بنگرد و حتی داستان‌های کلیشه‌ای روایت شده در رمان را هم از دریچه‌ای جدید ببیند تا فردیت را در بستری جهانی‌تر تعبیر کند.

تمرکز بر مطالعات پسا استعمارگرایی²³ و داستان روان زخم²⁴ به عنوان رویکردی تحسین شده بر داستان و ناداستان فیلیپس در حقیقت رویکردهای جدیدی از مباحث پژوهشی بر روی آثار وی را آشکار می‌سازد. گویلیا ماسکولی²⁵، در رساله‌ی دکتری خویش بر روی لحن موسیقیایی²⁶ آثار فیلیپس، از همین رویکردهای جدید به تحلیل عمیق رمان پرداخته است. او معتقد است در میان صنایع ادبی در دسترس این نویسنده، فیلیپس نثر آهنگین را انتخاب کرده است. در این مقاله، او رمان فیلیپس را به عنوان یک نثر آهنگین، به ویژه در روایت او تعبیر کرده و می‌گوید که مفاهیم «برون ریزی»²⁷ و «کنار آمدن»²⁸ از دومینیک لاکاپرا²⁹، که در اثر تحسین شده‌اش، *نوشتن تاریخ، نوشتن روان زخم*³⁰، به طور عمقی به آن پرداخته است، دو رویکرد برای تحلیل تجارب روان زخمی است که در داستان او با زگو می‌شوند. به علاوه، ماسکولی سعی دارد نشان دهد که پیچیدگی صنعت ادبی منتخب فیلیپس، یعنی آهنگین بودن، باعث می‌شود رمان ارزش خوانش پیچیده و همذات پندارانه‌ای داشته باشد: «این اثر همچنین نشان می‌دهد چگونه فیلیپس با برگزیدن صنایع ادبی مانند موسیقی به زبانی متوسل می‌شود که هم‌زمان به دنبال جذب و مقابله‌ی فهم خواننده است که نتیجتاً باعث اجتناب از هرگونه همذات پنداری آسان و پیش پا افتاده با او می‌شود.» (1). ماسکولی با تمرکز بر بخش روایت او، به مفهوم تکرار به عنوان نوعی موسیقی در تکرار وقایع می‌پردازد و به نتیجه می‌رسد که چنین استفاده‌ی راهبردی از موسیقی در داستان روان زخم می‌تواند مستقیماً به مفهوم «کنار آمدن» لاکاپرا مرتبط باشد که به وسیله‌ی این تکرار در روایت «تخلیه‌ی احساسات» و به دنبال آن «بازسازی گذشته» (16) را انجام می‌دهد.

بخش قابل توجهی از نقدها بر آثار فیلیپس به مفاهیمی چون احساس تعلق و از دست دادن حس هویت طلبی اختصاص دارد که در روایت

²³ Postcolonialism

²⁴ Trauma Fiction

²⁵ Guilia Mascoli

²⁶ Musicality

²⁷ Acting Out

²⁸ Working Through

²⁹ Dominic La Capra

³⁰ Writing History. Writing Trauma

جامع او از اروپا و فراتر از آن بیان می‌شود. برای اینکه فیلیپس بتواند از عهده‌ی چنین دامنه‌ی وسیعی در روایت برآید، نشان می‌دهد فهم عمیقی از ادبیات انگلیسی دارد که در آثار داستانش منعکس شده‌اند، من جمله در *ذات خون*. ربرتا گفتن وندریچ³¹ این مسأله را مورد بحث قرار داده است و به این مسأله می‌پردازد که چگونه فیلیپس با مسأله‌ی هویت فرا ملی³² و فرا تاریخی³³ از طریق روایت بینامتنی برخورد می‌کند: «هر دو رمان روایت‌های مختلفی از عدم وابستگی (استعاره‌ای برجسته در آثار فیلیپس)، و جستجو برای ریشه داشتن (محال) را با هم در می‌آمیزند و تفاوت‌های نژادی، قومی و مذهبی را به شکل یک مخمصه‌ی هستی‌گرایانه تجسم می‌کند که تاریخ استعماری و روان زخمهای مربوطه را به وجود آورده اند.» (294). او به چنین روایتی می‌پردازد و اظهار می‌دارد که توجه فیلیپس به موضوع هویت و احساس تعلق داشتن در تلاش‌های بینامتنی او مجسم شده است. او این تلاش ادبی فیلیپس را به عنوان مثال در استفاده از پیش درآمد³⁴ و روایت بیوگرافی-داستانی مورد بررسی قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که این تلاش «انتقادی زیرکانه و پیچیده از خود مفهوم بینامتنیت به عنوان سرچشمه‌ی حافظه‌ی تاریخی است.» (295). به بیان دیگر، این رویکرد تلاشی است برای به تصویر کشیدن حافظه‌ی فرهنگی یک نژاد یا ملت از طریق اهداف بینامتنیتی. وندریچ معتقد است فیلیپس همواره تلاش می‌کند ارتباطی بین تاریخ یهودیان در اروپا و تاریخ سیاه پوستان پیدا کند، همانطور که در *قبیله‌ی اروپایی*³⁵ اش پیدا است. این تلاش نهایتاً پاسخی کامل و عمیق به پرسش‌های وی در خصوص هویت و احساس تعلق فراهم می‌کند. وندریچ به نقل از مطالعه‌ی آن وایتهد³⁶ بر روی داستان روان زخم، نتیجه می‌گیرد فیلیپس با آوردن اتللو به ونیز رنسانس، شاید تلاش می‌کند تا گفتگویی بین سیاهپوستان و یهودیان ایجاد کند تا نشان دهد ادبیات بهترین وسیله برای ایجاد صلح و همدردی جهانی است.

دسته‌بندی آثار داستانی و ناداستان فیلیپس در زمره ادبیات پسا استعماری نقش بینامتنیت را به عنوان صنعت ادبی بسیار مهم در

³¹ Roberta Geftter Wondrich

³² Transnational

³³ Transhistorical

³⁴ Prequel

³⁵ The European Tribe

³⁶ Anne Whitehead

ادبیات به طور کلی و آثار فیلیس به طور ویژه برجسته می‌کند. آن وایت هد در *داستان روان‌زخم*³⁷ توصیف کاملی از وجوه مختلف روان‌زخم و تجسم آن در ادبیات ارائه می‌دهد. وی ارتباط متقابل میان روان‌زخم و بینامتنیت را در رمان فیلیپس به عنوان مثالی ستودنی در این ژانر مورد بررسی قرار می‌دهد. وایت هد با استفاده از چهار چوب نظری وسیعی در مورد روان‌زخم و داستان آن، معتقد است که در نظر گرفتن بینامتنیت به عنوان نوعی تکرار، با نظریه‌ی وسواس تکرار³⁸ فروید مطابقت دارد و بنابراین تکرار داستان اتللو در رمان قصد دارد توجه خواننده را به نقش برجسته‌اش به عنوان بیگانه و غیر خودی هم در رمان و هم در نمایشنامه‌ی شکسپیر معطوف دارد.

او معتقد است نه تنها بینامتنیت ابزاری قدرتمند برای چنین تکراری است، بلکه «می‌تواند به یک گفتگوی انتقادی مفید با آثار ادبی کلاسیک تبدیل شود که معانی جدید را محتمل می‌سازد.» (90). به قول وایت هد، فیلیپس از بینامتنیت به عنوان شکلی از مقاومت در برابر تصویر نژادپرستانه‌ی تثبیت شده از اتللو شکسپیر استفاده می‌کند و صدایش را به او می‌رساند تا اتللو از آن برای مقاومت در برابر تعصب و نژادپرستی‌ها استفاده کند. به نقل از کروت³⁹، وایت هد می‌گوید که تجربه‌ی روان‌زخمی به بهترین شکل «فقط در ارتباط با مکانی دیگر، و زمانی دیگر» (99) می‌تواند بیان شود و این چیزی است که فیلیپس از آن برای بیرون کشیدن اتللو از دست مخاطبان رنسانس و قرار دادنش در دورنمایی معاصر با معانی و مفاهیم متفاوت، سود می‌برد. به علاوه، وایت هد نقش بنیادین بینامتنیت در روایت او را مورد بررسی قرار می‌دهد که ارجاع مستقیمی به *خاطرات یک دختر جوان*⁴⁰، اثر آن فرانک⁴¹ و *شال*⁴²، اثر سینتیا ازیک⁴³ است. او می‌گوید که رویکرد فیلیپس به دیگر منابع ادبی بیانگر تفکر آگاهانه‌ی وی در مورد سیاست‌های افریقایی-آمریکایی و همچنین «تجارب و دلمشغولی‌های یهودیان» (92) می‌باشد. وایت هد، مانند بندیکت لدنت⁴⁴، معتقد است

³⁷ Trauma Fiction

³⁸ Repetition Compulsion

³⁹ Caruth

⁴⁰ Diary of a Young Girl

⁴¹ Anne Frank

⁴² Shawl

⁴³ Cynthia Ozick

⁴⁴ Benedict Ledent

فیلیپس از خوانندگانش می‌خواهد خود معانی جدید بیابند و در ارجاعاتی که در هزارتوی روایی رمان آمده است تعمق کنند.

او سپس استدلال می‌کند که بینامتنیت همچنین می‌تواند اثر قبلی یک نویسنده را در کنار آثار جدیدترش با تاثیر مضاعف بیاورد، کاری که فیلیپس در *ذات خون* و تفکراتش در مجموعه مقالاتش، *قبیله‌ی اروپایی*، انجام داده است. بنابراین پیشنهاد می‌کند هر دو اثر در کنار هم خوانده شوند تا درونمایه‌ها و نظرات مشترک هر دو اثر قابل فهم تر شوند. با در نظرگرفتن ابرروایت هولوکاست به عنوان نوعی تلاش بینامتنی، وایت هد تشابهی بین *بین اردوگاه‌ها*⁴⁵ اثر پاول گیلروی⁴⁶ و *ذات خون* می‌یابد چرا که «فیلیپس درخواست گیلروی برای گفتگو بین فرهنگ‌های سیاهپوستان و یهودیان را با محل وقوع داستان، یعنی ونیز رنسانس ترکیب می‌کند که به وی اجازه می‌دهد بینامتنیت را به قهرمان‌های سیاهپوست و یهودی شکسپیر، یعنی اتللو و شایلوک ارجاع دهد.» (103-104). این همان گفتگویی است که هم گیلروی و هم فیلیپس در تلاش برای به دست آوردن آن در تجربه‌های زیسته‌ی سیاه پوستان و یهودیان هستند تا شکاف به وجود آمده از طریق ابرروایت‌های نژاد پرستانه و مذهبی را پرکنند. به علاوه، تجربه‌های زیسته‌ی سیاهپوستان و همینطور یهودیان، بدون در نظر گرفتن هویت گروهی آنها امکان پذیر نمی‌باشد، همانگونه که غلامی و سهیل در ترسیم دیالکتیک هویت فردی و اجتماعی در رمان *دل‌بند موریسون* از آن سخن می‌گویند. آنها معتقدند فقدان هویت گروهی و در نتیجه فقدان هویت فردی وضعیت مطلوب استثمارگران است: «از همین رو در غیاب هرگونه هویت گروهی و شناسه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی، آئینه‌ای برای بازتاب هویت و جایگاه نقش فردی نداشتند. این وضعیت مطلوب استثمارگران بود تا بدان وسیله هرگونه اراده، هدف و تعامل را از آنان سلب کنند.» (1391 و 8). و این دیالکتیک را می‌توان به صورت بینامتنی در *ذات خون* نیز مشاهده کرد، جایی که سیاهپوستان و یهودیان از هویت گروهی و فردی خود به دلیل برجسب گذاری‌های نژادپرستانه و مذهبی محرومند.

مروری بر آثار انتقادی و تحلیلی بر رمان *ذات خون* نشان از جذابیت آن برای پژوهشگران در زمینه‌های مختلف ادبی دارد از جمله

⁴⁵ Between Camps

⁴⁶ Paul Gilroy

رویکردهای مربوط به بینامتنیت. اما چیزی که کمتر در این مقالات به آن پرداخته شده است، مطالعه‌ی انسان‌شناسی است که اهمیت مکان‌هایی که در رمان توصیف می‌شود را به عنوان فضاهایی خاص و معنا دار نشان دهد، مانند گتوهای ونیزی و اردوگاه‌های هولوکاست. از این رو، مفاهیمی چون انگ مکان و مهار تادیبی، که به آسانی در انواع مختلف گتو به کار می‌روند و به طور دقیق در رمان به تصویر کشیده شده‌اند، نقاط اصلی تامل در مقاله‌ی پیش رو هستند چرا که رویکردی جامعه‌شناسانه برای دور شدن از رویکردهای ادبی مطلق و حرکت به سوی رویکردهای بینارشته‌ای، ضروری است.

۳. گتو: زندانی دوست داشتنی

روایات متنوع و بسیار دور از هم از نظر مکان و زمان، چهارچوب روایی رمان را شکل می‌دهند که در نهایت سوال مشترکی را در ذهن خواننده بر می‌انگیزد و آن ذات خون و تشابه آن در همه‌ی نژادها، عقاید و قومیت‌هاست. با چرخشی در مکان و زمان، فیلیپس از اردوگاه نازی، به ونیز قرن شانزده می‌رود تا بخشی از زندگی شگفت‌انگیز را به خواننده معرفی کند. همانطور که داستان به پیش می‌رود، اتللو جذابیت ونیز و ساختار منحصر به فردش برای یک غریبه را تصدیق می‌کند. یکی از مرموزترین مکان‌ها برای او گتوی یهودیان است. اتللو در در تلاش برای وفق دادن خود به زندگی شهری ونیز در دل شهر گشت و گذار می‌کند تا با زبان و فرهنگ مردمی که به زودی فرماندار ارتششان خواهد شد آشنا شود. او در خلال ماجراهایش برای یافتن معلمی که به او زبان ایتالیایی بیاموزد با گتو، از عجیب‌ترین مکان‌هایی که تا به حال دیده است، مواجه می‌شود. او چیزی را که می‌بیند اینگونه بیان می‌کند: «عموما فرض می‌شود که کلمه‌ی گتو در ابتدا برای توصیف بخشی از ونیز به کار برده می‌شده که در قرن شانزده به یهودیان دستور داده شده جدا از مسیحیان در مکانی نمود و کثیف در شمال سنت مارک زندگی کنند. لغت ایتالیایی گتو به معنای کارخانه ذوب آهن است.» (88)، و با چنین توصیفی به اکتشافاتش در مورد گتو ادامه می‌دهد چرا که یهودیانی که در این حصار زندگی می‌کنند به طرز باورنکردنی ثروتمند اما در عین حال عجیب در آداب و رسوم هستند.

با وجود اینکه گتوی توصیف‌شده یادآور حصارى محدود کننده⁴⁷ از قرن‌ها پیش است، نکته‌ای که وکان سعی می‌کند در آخر قرن بیستم در دو سوی آتلانتیک به تصویر بکشد شبیه به همتای ونیزی خود در رنسانس است. او معتقد است گتو را «می‌توان به طور ایده‌آل ساختاری اجتماعی-مکانی محدود شده و از نظر قومی یکپارچه توصیف کرد که فراروی بدنام‌سازی قهری یک جامعه با انگزنی و نفی کردن است، مانند یهودیان در قلمروهای اروپای رنسانس.» (49)، آنچه در رمان مشهود است، همین انگزنی است یعنی یهودی بودن که باعث شده است این جمعیت به زور پشت درهای آهنین گتوی رنسانس زندگی کنند. راوی بیشتر در مورد محدودیت‌ها و مجازات یهودیان در صورت خروج از گتو می‌گوید و این حقیقت را روشن می‌کند که زندانی که یهودیان در آن قرار داده شده اند ساختاری قومی است که کم و بیش بدون تغییر در عصر حاضر باقی مانده است، همانطور که در رمان قابل مشاهده است، به ویژه در نیمه‌ی قرن بیستم و دوران پس از جنگ جهانی که اثبات می‌کند گتو ساختاری اجتماعی-مکانی است که منشا انواع جنایات و تنازعات از منظر روانشناسی، فیزیکی و اقتصادی است که در رمان معاصر منعکس شده است.

Pre-print Version

اتللو با شاه‌های رفتار عجیب و رسوم قومی مذهبی ساکنین گتو می‌گوید «گتوها عمدتاً پرجمعیت اند و تأثیری تضعیف‌کننده بر اعتماد به نفس ساکنین آن دارند.» (88). وکان احساسات بدیهی چون ریشه داشتن را به فقدان آن در عصر حاضر مرتبط می‌داند. به همین شکل، موقعیت مشابهی برای ساکنین گتو متصور است. او معتقد است گتو برای ساکنین این مناطق نقش ساختاری ویژه‌ای دارد: «که طوری طراحی شده است که ساختاری محدود کننده داشته باشد تا باعث به وجود آمدن شبکه‌ی گسترده‌ی اجتماعی با روابط نمادین و مادی بین رنگ پوست، مکان زندگی و دیگر خصایص با بار معنایی منفی اجتماعی شود.» (182)، نظیر یهودی بودن در گتوهای ونیزی. بنابراین ساکنین گتو با خصایص نمادین برجسته زده می‌شوند، مانند یهودیان داستان اتللو که رباخوارانی حریص و خسیس خوانده می‌شوند. دقیقاً همان برجستگی که در روایت اتللو یهودیان را محصور کرده است، در دوردست‌ترین مکان‌ها و زمان‌ها در رمان تکرار می‌شوند تا این حقیقت مهم فاش شود که مسأله‌ی برجستگی قومی-نژادی در کنار انگ مکان، یکی از نشانه‌های به حاشیه

⁴⁷ The exclusionary Closure

راندگی اجتماعی است که ریشه در قرون گذشته دارد و تا کنون ادامه یافته و داستان و واقعیت را در هم آمیخته است، مانند ارتباط مطالعات اجتماعی-فرهنگی و ادبیات در آغاز قرن بیست و یکم.

اتللو در گشت و گذار در شهر مرموز ونیز به اکتشاف زندگی شبانه‌ی گتو در حاشیه‌ی شهر می‌پردازد. او درمی‌یابد این مکان محصور بسیار عجیب است و در مورد یهودیانی که در آن زندگی می‌کنند و قوانینی که بر آنها حکمفرما است، تعمق می‌کند و نتیجه می‌گیرد که زندگی در چنین مکان محصور به نوعی برای یهودیان آسایش و آرامش به همراه آورده است چرا که ارتباط با مسیحیان خارج از دنیای گتو اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار است. او می‌گوید: «ظاهراً اکثر یهودیان زندانی شدن پشت دروازه‌های گتو از طلوع تا غروب را به عنوان امری پرمشقت نمی‌دانند، چرا که از آنها در برابر سنگدلانی که با آنها مخالفند محافظت می‌کند.» (88). و خواننده خیلی زود به یاد می‌آورد که سنگدلانی که یهودیان را آزار داده اند، یا در اروپای قرن بیستم هستند یا در شهر باستانی پورتو بافل⁴⁸ در رمان که نقش پررنگ مذهب، نژاد و هویت را در زندگی شخصیت‌هایش و همینطور زندگی واقعی در طول تاریخ برجسته می‌کند. وکان برای بسط بحثش در مورد گتو در دو سوی آتلانتیک در آخر قرن بیستم سه روایت رسمی از گتو برمی‌شمارد که یکی از آنها انزوای مکانی-اجتماعی یهودیان اروپای رنسانس است. او می‌گوید که چنین ساختاری، همانطور که در گتوی توصیفی اتللو ذکر شد، فرمی بنیادی و ابزاری سازمانی است. تام سالیتر⁴⁹ روایت وکان از نیروی تاریخی که باعث ایجاد گتو شده است را این گونه بیان می‌کند که «گتو ساختاری بنیادی است، ابزاری سازمانی-اجتماعی که از مکان برای به دست آوردن دو خصیصه‌ی مخالف استفاده می‌کند: بهره‌کشی اقتصادی و محروم‌سازی اجتماعی. [...] گتو به وسیله‌ی حاکمین شهر ایجاد شده است تا در حالی که سود مادی که از این طبقه‌ی قومی بی‌اعتبار شده به دست می‌آوردند را به حداکثر می‌رسانند، ارتباط با ساکنین آن را به حداقل برسانند.» (وکان و دیگران، 3). این دقیقاً همان نکته‌ای است که در قلب داستان بازنمایی شده است. زمانی که فیلیپس در مورد افراد سنگدلی سخن می‌گوید که یهودیان را پشت دیوارهای آهنین گتو زندانی کرده‌اند — که بر خلاف انتظار تبدیل به پناهگاه آنها شده است — تا با ایجاد آن هرگونه تماس با آنها را به حداقل برسانند.

⁴⁸ Portobuffole

⁴⁹ Tom Slater

به علاوه وکان معتقد است چنین حساری در جهت عکس، به نفع ساکنینش می‌باشد و نقش سپر محافظ را ایفا می‌کند: «این ساختارها در آن واحد نقش ششمیر تیزی در تاثیر بر این حصار به نفع نیروی حاکم، و نقش سپر برای ایجاد فضای حفاظت شده را ایفا می‌کند که افراد تحت سلطه‌ی آن می‌توانند در آن عمل متقابل و حفظ شأن خود را تجربه کنند.» (وکان و دیگران 3). این مکانی است که می‌توانند در آن آداب و رسوم قومی و نژادی خود را در حساری که برپا شده است تا در برابر نیروی غالب محافظت کند را با احساس امنیت به جا بیاورند، همانطور که اتللو به محض ورود، گتویی شدیداً محصور را توصیف می‌کند که نه تنها سختی بر ساکنینش تحمیل نمی‌شود بلکه به عنوان سپر از آنها در مقابل خطرات نیروی حاکم، یعنی مسیحیان ونیز، محافظت می‌کند.

۴. مهار تادیبی: حسری محدودکننده و عملی

هولوکاست و اردوگاه نازی‌ها دو درونمایه‌ی کلیدی در رمان هستند و بنابراین ذات اردوگاه‌ها و شخصیت‌هایی که لحظات سرشار از روان زخم را در پشت درهای آنها روایت می‌کنند برای خواننده یاد آور ذات تادیبی زندان است. به علاوه، گتویی که اتللو شاهد آن بود، حاکی از رابطه‌ی متقابل میان اردوگاه نازی‌ها در نیمه‌ی قرن بیستم و گتوی رنسانس است که به شکل نظری در مطالعات وکان بر روی نقش بخش جزایی و مهار تادیبی در ساختار اجتماعی عصر نیولیبرال اواخر قرن بیستم منعکس شده است. رمان در مکانی ناشناخته و ناگهان آغاز می‌شود و شخصیت‌ها در آن بی‌هدف به دنبال سرزمین موعود سرگردانند. دکتر استرن، پزشکی یهودی است که خانواده اش را برای رفتن به فلسطین و کمک به ارتش زیرزمینی آن برای انتقال بی سر و صدای یهودیان یاغی از اروپا به آنجا ترک کرده است. او نخستین راوی است که جو دلگیر اردوگاه را توصیف می‌کند. او می‌گوید در قبرس و در حال خدمت رسانی به پناهندگان هستند و سازمان کمک رسانی که او برایش کار می‌کند چند ملیتی است و به نقش قوای بریتانیا در منحرف کردن کشتی پناهجویان از فلسطین تاکید می‌کند و این عمل را به عنوان ایجاد اردوگاهی زندان مانند تعبیر می‌کند. به هر صورت، نکته‌ی مهم این است که پناهجویان در این زندانی شدن کاملاً بی‌دفاع هستند چرا که «قوای بریتانیا وظیفه‌ی خود دانسته تا مردم بی‌دفاع را زندانی کند. در اطراف اردوگاه تانک‌های بریتانیایی در فواصل منظم قرار گرفته‌اند و حتی در ساحل اسلحه‌های آنها آماده و سربازهای مضطربشان

آماده باش برای حفاظت از زنان، مردان و کودکان بی‌سلاح هستند. یک ماموریت احمقانه.» (2). بدین شیوه است که عمل مهار تادیبی به نظرش کاملاً احمقانه می‌آید و باعث می‌شود احساس وظیفه و فداکاری در وی قوی شود به حدی که خانواده و کشورش را پشت سر بگذارد و به سوی یک زندگی بامعناتر و متعهدتر بشتابد.

مهار تادیبی و بخش جزایی⁵⁰ از مفاهیم کلیدی وکان هستند. او مباحث فراوانی در خصوص تغییرات این مفاهیم و همچنین جوهره‌ی مهار تادیبی از قرن هجدهم تا کنون ارائه داده است. او در مورد چهارچوب کتاب تحسین شده‌اش، *تنبیه فقرا*⁵¹، به تفصیل توضیح داده است و معتقد است ساز و کار زندان و قوه‌ی جزایی و هیئت تادیبی⁵² که پیشتر بوردیو و فوکو آن را شرح داده‌اند باید گسسته‌های جدی و مهمی را تجربه کنند تا در برابر قوه‌ی جزایی معاصر در عصر نیولیبرال پاسخگو باشند. همچنین، فواید اخلاقی و اجتماعی نظام تادیبی قرن هجدهم که فوکو به آن پرداخته نیز باید دستخوش تغییراتی شود. او معتقد است که این فناوری‌های تادیبی تنها هدف نظام تادیبی پایان قرن در جهان اول، به ویژه اروپا نیست. از این رو، او ادعا می‌کند که زندان در عصر حاضر بیشتر در خدمت خنثی‌سازی این عمل است تا تعلیم و تربیت آنها: «به جای تعلیم («تادیب» یا «آدم کردن»)، به قصد نشان دادن «افراد مفید و مطیع» که فوکو آنها را امر مسلم برمی‌شمرد، زندان اکنون بیشتر به سمت خنثی‌سازی بی‌رحمانه، مجازات طوطی‌وار و انبار کردن افراد به صورت پیش‌فرض، اگر نگوییم از پیش تعیین شده، می‌رود.» (وکان، 122). صحنه‌ای که دکتر استرن در اردوگاه و نگهبانان آنجا شاهد است، دقیقاً همین دگرگونی نقش زندان و تبه است چرا که پناهجویان همه «بی‌دفاع» و «بی‌سلاح» هستند و همچنین از شرافت و انسانیت خود با یک سکون خودکار و ناخواسته تهی شده‌اند که آنها را به ابزاری در «یک انبار ساده» تبدیل کرده است که باعث شده موجوداتی فاقد کرامت انسانی و تهی از هرگونه ارزش مانند «عزت نفس و قدرت تصمیم‌گیری» (3) باشند، به همین دلیل فیلیپس محافظت از این توده‌های بی‌دفاع و بی‌ارزش را ماموریتی احمقانه می‌نماید. همانطور که او از خاطرات خود در اردوگاه پرده برمی‌دارد، در مورد تاثیر قدرت مامورین اردوگاه بر روی تفکر و رفتار زندانیان توضیح

⁵⁰ The Penal State

⁵¹ Punishing the Poor

⁵² Carceral Body

می‌دهد چرا که آنها بی‌دفاع هستند و حتی باورشان، همان دلیلی که به خاطرش به آغوش مرگ می‌روند، نیز نمی‌تواند به آنها کمکی کند. در طول داستان خواننده بیشتر از رخوت ساکنین اردوگاه در مقابله با خشونت‌های باور نکردنی آگاه می‌شود که فقط به خاطر ایمان و باورشان زندانی هستند. او برنامه‌ی روزانه‌اش در اردوگاه، به منزله‌ی یک زندان را اینگونه بیان می‌کند: «آنوقت من خیره به رفتار منضبط هم زندانی‌هایم می‌شوم که در صف برای دریافت غذا هستند. فریاد یا هل دادنی در کار نیست. همه گرسنه و مضطرب اند، اما هیچ کس جای دیگری را به زور نمی‌گیرد. آیا این به دلیل خستگی مطلق است یا اخلاقیات جهان کهن که به ناگاه به ما تحمیل شده است؟» (7). او در تعجب است که آیا رفتار عجیب همکیشان‌ش به خاطر خستگی است یا تاثیر شکوه و عظمت «جهان کهن»؟ چرا که آلمان در قلب اروپاست که جان آنها را به خاطر ایمان به دین یهود تهدید می‌کند. وکان می‌گوید تحقیق در مورد حبس و زندان منحصر به جرم شناسی نیست بلکه باید بخش مهمی از جامعه شناسی مدنی و مردم شناسی باشد چرا که مهار تادیبی و حبس به صورت معکوس به تجزیه‌ی قشر فرودست شهری در قرن بیستم کمک کرده و آن را سرعت می‌بخشد و کلمات او این نیاز در گفتمان‌های بین‌رشته‌ای نه تنها در مطالعات مدنی بلکه در ادبیات، به ویژه رمان را به خوبی نشان می‌دهد.

با دفاع از ضرورت قراردادن مساله‌ی زندان به عنوان موضوع مورد مطالعه در جامعه شناسی مدنی، وکان نقش زندان و ساز و کار آن را در رفتار و استیلا‌ی حکومت بر فرودستان و همچنین زندگی و سرنوشت این طبقه و قدرت غیر قابل‌گریز مهار تادیبی در این استیلا را تشریح می‌کند: «باید رویکرد جامعی اتخاذ کنیم که شامل تمامی اعمالی باشد که به وسیله‌ی آن حکومت قصد دارد جوامعی که فرض می‌کند زندگی در قلمروشان گمراه کننده، وابسته و خطرناک است را شکل داده و کنترل کند.» (16). بنابراین، شکل دادن و کنترل یهودیان در مشاهدات او از زندانیان اردوگاه دقیقا هدف زندانبانان است که حضور آنها در قلمروشان را «منحط» و «خطرناک» می‌دانند و در نتیجه این وظیفه‌ی غیر قابل اجتناب و ارزشمند ادبیات است که نقش تسهیل‌گر در ترکیب شاخه‌های مختلف دانش به شکل ملموس را دارد تا برای بخش وسیعی از مخاطبینش قابل فهم باشد.

وحشت و شوک اردوگاه در تمام داستان او را تسخیر کرده و انعکاسش تا پایان داستان تکرار می‌شود. بخش عمده‌ای از روایت او در توهماتش به وقوع می‌پیوندد چرا که او پس از زنده ماندنش شرایط پسا روان زخم را تجربه می‌کند. در یکی از این کابوس‌ها یک اردوگاه، یک زندان دیگر را به یاد می‌آورد که ساکنین آن چنان از زندگی خالی هستند که به موجودات مطلقا ناچیز تبدیل شده‌اند که در انتظار مرگ در یک امید واهی برای زنده ماندن هستند. او فضای مغموم اردوگاه را اینگونه توصیف می‌کند: «در این مکان جدید کاری برای انجام دادن نیست. حضور و غیابی وجود ندارد. [...] هیچ چیز نیست، به جز تیفوس و مرگ [...]، بدون هیچ برنامه‌ی روزمره، تسلیم شدن و مردن راحت است. خیلی راحت. حالا چهار ماه است اینجا هستم و کاری نیست. بهار است، اما زمستان بر ما افسار زده و به صورت ما زل زده است. ما فقط منتظریم. منتظر دام حریص مرگ.» (99)، بنابراین، او به بخشی کلیدی از رمان اشاره می‌کند چرا که ریشه داشتن و فقدان هویت پی‌رنگهای پرتکرار در آثار فیلیپس هستند و او این فقدان هویت را در انفعال و بی‌هدفی که در اردوگاه تجربه می‌کند نسبت می‌دهد. وکان در تحلیل مباحث مربوط به زندان و مهارت ادیبی به این حقیقت می‌رسد که سیستم جزایی و حکومت در یک رابطه‌ی دوجانبه هستند: «چرا که مهارت ادیبی قشر به حاشیه رانده شده‌ی شهری به طور همزمان از طریق تنزل دادن شبکه‌ی امنیت اجتماعی و گسترش دام پلیس-زندان و پیوند آنها در یک شبکه‌ی زندانی-کمکی نتیجه‌ی گرایش کلی جامعه شناسانه نیست، چه به خاطر افزایش قدرت زیست باشد یا به دلیل پیدایش «مدرنیته‌ی متاخر»، بلکه در اعماق آن تمرینی است برای شالوده بندی طبقه‌ی حاکم.» (125). و این همان شالوده بندی حکومت است که انتظار می‌رود پیروز میدان باشد چرا که حتی او هم خیلی آسان آن را در غیاب امید، شجاعت و هرگونه انگیزه‌ای در زندانی بدون برنامه درک می‌کند. او با تمام وجود درمی‌یابد که بدون هدف، تسلیم شدن آسان است و این سرسپردگی بر ولع زندانبان برای ساختن نسلی یکپارچه و خالص می‌افزاید که تماما بازنمایی شالوده بندی قدرت حاکم است که وکان معتقد است از پیدایش مدرنیته‌ی متاخر و نیز در نیمه‌ی قرن بیستم و در میان جنگ جهانی دوم در حال اجراست. و مجددا نقش ادبیات در جلوگیری از ایدیولوژیهای متعصب و رعب‌آور نمایان می‌شود که می‌توان آن را در داستان منعکس کرد تا تعداد زیادی از مردم در سراسر دنیا آن را خوانده و در آن تعمق کنند.

۵. نتیجه‌گیری

مقاله‌ی پیش رو رمان *ذات خون* را به عنوان نمونه‌ای از روایت چند لایه با دورنمای گسترده از زمان، مکان و تاریخ مورد بررسی قرار داده است که آن را خردجهان مناسبی برای به کارگیری مفاهیم برشمرده‌ی وکان ساخته است. مفاهیم جامعه‌شناختی-فرهنگی مطرح‌شده ارتباط تنگاتنگ داستان معاصر و علوم اجتماعی را تایید می‌کند چرا که سوال وسوسه‌انگیز *ذات خون*، سرشت بی‌زمان و جهانی بودن خود را اثبات می‌کند که می‌توان در مکان‌های مختلفی از جهان آن را مشاهده کرد. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که انگ مکان، در کنار برجسب-زنی‌ها که سرکوب‌شدگان را به حاشیه‌های اجتماع می‌رانند، تهدیدی پرتکرار بر تمامیت وجودی قشر فرودست است که دستیابی بر هرگونه عمل جمعی را مشکل می‌سازد و بنابراین باعث تعمق در زندگی و چالش‌های آینده‌ی مهاجرین با پیشینه‌های مذهبی و قومی-نژادی مختلف می‌شود، به ویژه از خاورمیانه بعد از ظهور داعش که سعی در یافتن پناهگاه در اروپا داشتند. به علاوه، گتو در تجلی مدرن خود، ریشه‌هایش را در ادبیات می‌یابد و این حقیقت فاش می‌شود که گتو روی دیگری از زندان است که هدفش حصر و در بند کردن مطرودین جامعه است که تقریباً بدون تغییر به کلان شهرهای مدرن رسیده است. در آخر، نشان داده شد که مهارت ادیبی در طول تاریخ رویکردی عملی و بی‌هزینه برای نگه داری قشر فرودست و مطرودین در تنگنا و پشت دیوار زندان بوده است که بعضی اوقات به شکل گتو مجسم می‌شود و همواره در ادبیات به فحوای بالقوه‌ی مردم شناسی و فرهنگی-اجتماعی‌اش منعکس می‌شود.

Ghetto and Punitive Containment: A Reflection on Caryl Phillips's *The Nature of Blood*

Abstract

Introduction: Reading contemporary fiction through diverse disciplines appears to be a substantial part of narrative studies in particular and literature in general providing a tenable framework of interdisciplinary discourses of knowledge to study and explore fiction. Caryl Phillips's *The Nature of Blood* embraces a labyrinth of narratives, the Holocaust as its

ultimate point of recollection. Phillips, by narrating the horrific memories of a camp survivor, delves into the dark memories of racism and brings it to its old days, as far as Othello's in Venice. The present study explores this dark legacy through a relatively new approach to literature using socio-cultural anthropological concepts. In doing so, the present paper scrutinized *The Nature of Blood* through the concepts of territorial stigma, ghetto, and punitive containment in order to delineate the true and indisputable role of fiction in other social sciences, emphasizing the interdisciplinary nature of literature and novel, in particular. Focusing on the conception of ghetto as a stigmatized territory narrated by Eva and Othello, the two major narrators in the novel, the article finds it as an available and costless strategy of punitive containment practiced through the course of history and represented in *The Nature of Blood*.

Background of Study: Wacquant elucidates his ideas on the nexus of marginality, ethnicity, and penalty. However, tenets of territorial stigmatization and ghettoization would cover more nationalities and disciplinary boundaries. He builds his notions of ghetto on a comparison of some canonical cases and concludes that ghetto is an institutional form that would lead to territorial and social stigmatization: "the ghetto is an institutional form, a social-organizational device that employs space to fulfill two conflictive functions: economic extraction and social ostracization" (*Urban Outcasts*, 3). He develops the concept of territorial stigmatization according to this comparative approach to social theory and applies his findings about neighborhood taint on both sides of the Atlantic. Moreover, he has contributed to urban studies by his notion of advanced marginality.

Methodology: This article is a library-based research and uses various sources both in interdisciplinary discourses and contemporary fiction. Ghetto is pictured as punitive containment strategy to push the members of periphery to territories of stigma and deprive them of their collective identity and sense of belonging.

Conclusion: The present paper explores *The Nature of Blood* as an instance of the author's multi-layered narration in a versatile scope of time, place and history that makes it an appropriate microcosm to apply Wacquant's conception of territorial stigma, ghetto, and punitive containment. It is concluded that territorial stigma, along with other labels relegating the repressed to the margins of a society, is a recurrent and dynamic threat to the integrity of the underclass and the precariat making it difficult to grasp to any kind of collective action and thus, reflecting the future lives and struggles of the migrants with diverse ethno-racial and religious backgrounds, especially from the Middle East, who were trying to find refuge in Europe after the wake of ISIS. Moreover, ghetto, scrutinized by Wacquant in its modern sense, finds its roots in Renaissance Europe in Phillips' fiction, proving the bitter fact that the ghetto is the other side of the prison aiming at the exclusionary closure of the outcasts of the society and continued almost unchanged to the modern urban metropolis. The punitive containment during the course of history proved to be a practical and priceless strategy to keep the underclass precariat and the social outcasts at bay behind the bars of the prison, sometimes embodied in the form of the ghetto and has always been reflected in literature due to its potential socio-cultural and anthropological overtones.

Keywords: Jewish Diaspora; Intertextuality; Trauma; Exclusionary Closure; Carceral body; Urban Relegation.

References

Bourdieu, Pierre. *In Other Words: Essays Towards a Reflexive Sociology*. Trans. M. Adamson. Cambridge: Polity, 1987.

---. "Social Space and Symbolic Power." *Sociological Theory* 7, 1(Spring 1989): 14-25.

Brecht, Bertolt, and Eric Bentley. "On Chinese Acting." *The Tulane Drama Review* 6, 1 (1961): 130-136.

Caruth, Cathy, ed. *Trauma: Explorations in Memory*. Baltimore: John Hopkins University Press, 1995.

Cerasan, S. P, ed. *William Shakespeare's The Merchant of Venice: A Sourcebook*. New York: Routledge, 2003.

Freud, Sigmund. "Further Recommendations in the Technique of Psychoanalysis: Remembering, Repetition, and Working Through", Trans. Joan Riviere. *G, P.2*, (1924): 366-76

Frank, Anne, ed. *The Diary of a Young Girl*. Trans. Evan Cameron. London: Penguin, 1997.

Gilroy, Paul. *Between Camps: Nations, Cultures and the Allure of Race*. London: Penguin, 2001.

Gholami, Vahid, and Kian Soheil. "A Dialectic of Individual and Social Identity in Toni Morrison's *Beloved*." *Critical Language and Studies* 5, 1 (1391)

Goffman, Erving. *Stigma: Notes on the Management of Spoiled Identity*. New York: Simon and Schuster, 1963.

Hadfield, Andrew, ed. *William Shakespeare's Othello: A Routledge Study Guide and Sourcebook*. New York: Routledge, 2002.

La Capra, Dominick. *Writing History, Writing Trauma*. Baltimore: John Hopkins University Press, 2001.

Ledente, Benedicte. *Caryl Phillips*. Manchester: Manchester University Press, 2002.

Massey, Douglas S., and Nancy A. Denton. *American Apartheid: Segregation and the Making of the Underclass*. Massachusetts: Harvard University Press, 1993.

McClusky, Alan Liam. "Estrangement, Empathic Failure, and the Provocation of a Critical Cosmopolitan Vision in Caryl Phillips' *The Nature of Blood*." *The Journal of Commonwealth Literature* 49, 2(2014): 215-228.

Mongan, Roscoe, ed. *The Tragedy of Othello, the Moore of Venice*. London: W. Swan Sonnenschein & Co, 1883.

Ozick, Cynthia. *The Shawl*. New York: Vintage, 1990.

Phillips, Caryl. *The European Tribe*. New York: Vintage, 2000.

---. *The Lost Child*. New York: Picador, 2016.

---. *The Nature of Blood*. New York: Vintage, 1998.

Wacquant, Loic and Pierre Bourdieu. *An Invitation to Reflexive Sociology*. Chicago: The University of Chicago Press, 1992.

---. "Bourdieu, Foucault, and the Penal State in the Neoliberal Era." *Punishing the Poor: The Neoliberal Government of Social Insecurity*. London: Duke University Press, 2009.

---. "The Ghetto, the State, and the New Capitalist Economy." *Dissent* (Fall 1989): 508-20.

---. "Revisiting Territories of Relegation: Class, Ethnicity, and State in the Making of Advanced Marginality." *Urban Studies* 53, 6(2016): 1077-1088.

---. "Territorial Stigmatization in the Age of Advanced Marginality." *Thesis Eleven* 91, 1 (2007): 66-77.

---. "The Two Faces of the Ghetto: Constructing a Sociological Concept." *Actes de la Recherche en Sciences Sociales* 160, 5(2005): 4-21.

Wacquant, Loic, Tome Slater, and Virgilio Borges Pereira. "Territorial Stigmatization in Action." *Environment and Planning* 46, A (2014): 1270-1280.

---. *The Two Faces of the Ghetto*. New York: Oxford University Press, 2015.

---. *Punishing the Poor: The Neoliberal Government of Social Insecurity*. London: Duke University Press, 2009

---. *Urban Outcasts: A Comparative Sociology of Advanced Marginality*. Cambridge: Polity Press, 2008.

Whitehead, Anne. *Trauma Fiction*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 2004.

Wilson, William. *The Truly Disadvantaged: The Inner City, the Underclass, and the Public Policy*. Chicago: University of Chicago Press, 1987.

Wondrich, Roberta Geftter. "The Exhausted Intertext as Cultural Memory: Erased and Displaced Identities in Caryl Phillips' *The Nature of Blood* and *The Lost Child*." *Human Diversity in Context* 1(2020): 243-314.

Pre-print Version